

واکاوی فرایند فقر در مناطق شهری استان خوزستان (مورد: شهر اهواز و آبادان)*

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/jeds.2023.50942.1632

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

معصومه باقری^۱

علی بوداغی^{۲*}

سجاد بهمنی^۳

مرضیه شهریار^۴

چکیده

در عصر حاضر فقر یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع بشری است. شیوع فقر در جامعه، فرایند توسعه را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با چالش مواجه می‌سازد. فقر در مناطق شهری مثل سایر پدیده‌ها متأثر از عوامل مختلفی است که در این پژوهش با استفاده از روش کیفی و استراتژی تئوری داده بنیاد، فرایند فقر در مناطق شهری استان خوزستان (اهواز و آبادان) بررسی شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۴۶ نفر از مطلعین کلیدی اعم از خبرگان دانشگاهی، کارشناسان ارشد دستگاه‌های اجرایی (کارشناسان استانداری، کارشناسان دفتر تسهیل‌گری اهواز، کارشناسان اجتماعی فرمانداری اهواز و آبادان)، افراد و خانواده‌های ساکن در مناطق شهری اهواز و آبادان بوده است. در تحقیق حاضر، برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه و برای انتخاب موردها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. مصاحبه با رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که مقولاتی چون فرهنگ ضعیف کار و روالمند شدن فقر، بیکاری و رکود اقتصادی، حمایت و پشتیبانی ضعیف از حاشیه‌نشینان، سرمایه‌ی روان‌شناختی ضعیف، عدم توانمندسازی حاشیه‌نشینان، عدم شایسته‌سالاری، توزیع نامتقارن منابع و احساس تبعیض و نابرابری، ناکارآمدی در مدیریت شهری، فساد اقتصادی و اداری، فرهنگ مطالبه‌گری ضعیف مردم و ضعف اتخاذ مشی علمی در سیاست‌گذاری‌ها از شرایط علی تأثیرگذار بر فقر بوده است. طبق نتایج پژوهش، فوران احساس محرومیت از قابلیت‌ها به عنوان مقوله محوری از متن مصاحبه‌ها مکشوف گردید. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که توجه به استراتژی‌هایی چون ۱. تروج فرهنگ کار در جامعه، ۲. سرمایه‌گذاری در مناطق حاد و حمایت از سرمایه‌گذار ۳. توجه به آموزش‌های مهارت‌زا در مناطق فقرنشین و... می‌تواند نقش مهمی در مقابله با فقر داشته باشد.

واژگان کلیدی: محرومیت از قابلیت‌ها، فرهنگ ضعیف کار، عدم شایسته‌سالاری، احساس تبعیض و نابرابری.

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان شناخت آسیب‌های منجر به فقر در جوامع شهری و روستایی استان خوزستان و ارائه راهکارهایی جهت کاهش فقر می‌باشد.
۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
۴. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

m.bagheri@scu.ac.ir
A.Boudaghi@scu.ac.ir
s.bahmani@scu.ac.ir
m.shahryari@scu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

فقر یکی از معضلات اساسی جوامع بشری و شاخص مهم در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. شیوع فقر در جامعه، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی را تهدید می‌کند (رباتی و همکاران^۱، ۲۰۲۰: ۲). در سال ۲۰۱۹، ۱/۳ میلیارد نفر در ۱۰۱ کشور جهان در فقر به سر می‌بردند. به همین خاطر، برنامه توسعه ملل و توسعه انسانی و فقر آکسفورد، رفع فقر در همه اشکال آن را تا سال ۲۰۳۰ برای اهداف توسعه پایدار جهانی در اولویت قرار داده‌اند. می‌توان اذعان نمود که موفقیت در کاهش فقر جهانی به تحلیل دقیق فقر و عوامل مؤثر بر آن بستگی دارد (گوشنگو و همکاران^۲، ۲۰۲۰: ۲).

در دهه‌های اخیر شناسایی علل فقر و روش‌های فقرزدایی مهم‌ترین مسائل پیشروی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده و این مهم توسط بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و جهانی مورد توجه قرار گرفته است. فقر پدیده‌ای چند بعدی است که نیازمند مطالعه و تحلیل همه جوانب و ابعاد آن است. در گذشته فقر با درآمد سنجیده می‌شد، اما این رویکرد نمی‌توانست همه ابعاد فقر را شناسایی بکند. به همین خاطر، مؤسسه فقر آکسفورد با همکاری برنامه توسعه ملل متحد در سال ۲۰۱۰ شاخص چند بعدی فقر را ارائه نمود. این شاخص مبین محرومیت افراد جامعه از توانمندی‌های اولیه انسانی است و مدل‌های مختلف فقر درآمدی را توضیح می‌دهد. در این شاخص بر عوامل غیر درآمدی همچون محرومیت شدید در ابعاد آموزشی، بهداشتی و استانداردهای زندگی تأکید شده است. به طور کلی، تمرکز جنبه‌های مختلف توسعه بر روی رویکرد پولی و درآمدی یکی از دلایل شکست برنامه‌های فقرزدایی در کشورهای در حال توسعه است. بنابراین، علت اصلی فقر، کمبود درآمد نیست؛ بلکه عدم توانایی افراد فقیر در دستیابی به آن‌ها از علت‌های فقر است (رباتی و همکاران، ۲۰۲۰: ۲). در این ارتباط، آمارتیا سن^۳ (۱۹۹۸) «رویکرد قابلیت» را در تعریف فقر برجسته کرده که به معنای محرومیت از قابلیت‌ها می‌باشد (زبردست و رضانی، ۱۳۹۵: ۴۶). همسو با این رویکرد، هیدایه و همکاران^۴ (۲۰۱۲) اشاره می‌کنند که فقر شهری فقط بدلیل کمبود درآمد شهروندان نیست؛ بلکه فقدان سرمایه‌های مالی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی را نیز شامل می‌شود (زندى و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۴۴). شواهد موجود نشان می‌دهد که در شهرهای بزرگ آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در کنار مسائلی چون آلودگی، نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، تراکم جمعیتی، شیوع فقر شهری یکی از مهم‌ترین مسائلی است که این شهرها با آن مواجه هستند. فقر شهری یک مسئله چند بعدی است که مردم با

1. Amartya Sen
2. Gweshengwe et al
3. Robati et al
4. Hidayah et al

محدودیت‌های زیادی از قبیل محدودیت دسترسی به فرصت‌های شغلی، فقدان برخورداری از مسکن و خدمات مناسب، محیط ناسالم و خشونت‌زا، فقدان برخورداری از رفاه اجتماعی و مکانیسم‌های حمایتی، پزشکی و آموزشی مواجه هستند. فقر و پیامدهای منفی آن توسعه‌ی انسانی را محدود می‌کند و میزان آسیب‌پذیری فقرا را در حوزه‌ی سلامت، مواجه با بحران‌های اقتصادی و بیماری‌ها به حداکثر می‌رساند (موحد و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۰). آسیب‌هایی که فقر تحمیل می‌کند به اندازه‌ی گسترده و بلند مدت است که پایداری شهرها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و امنیتی را تهدید می‌کند (زنگنه و اکبری، ۲۰۱۹: ۳۴۲). بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۲۰، فقر شدید با همه‌گیری کووید-۱۹ روند افزایشی به خود گرفته و به حدود ۷۳۳ میلیون نفر رسیده است. پیش بینی می‌شود این روند افزایشی در سال ۲۰۲۱ نیز ادامه داشته باشد (میرزائی و کبرایی، ۱۴۰۰: ۲۳۲). کشور ایران و خصوصاً استان خوزستان مستثنی از این قاعده نیستند. در این راستا نتایج پژوهش افقه و قنوتی‌فر (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که خط فقر مطلق مناطق شهری و روستایی استان خوزستان از روندی افزایشی برخوردار بوده و این افزایش در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. همچنین نتایج پژوهش اندایش و همکاران (۱۴۰۰)، حاکی از آن است که اندازه فقر چند بعدی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، به ترتیب ۲۵ و ۲۸ درصد است که از متوسط کشوری بالاتر است و بیشترین محرومیت در استان به ترتیب در ابعاد اشتغال، سلامت، مسکن، استانداردهای زندگی و آموزش است. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد با وجود اینکه فقر در مناطق شهری استان خوزستان وضعیت بحث‌انگیزی دارد و منشا بسیاری از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است، در مطالعات پیشین با رویکرد کیفی، فرایند فقر بررسی نشده است. شیوع فقر در مناطق شهری به مثابه مسئله اجتماعی مانع از رسیدن جوامع به رشد و توسعه پایدار است (غضنفری و ملا علمی، ۱۳۹۸: ۲۶).

پیش شرط توفیق در سیاست‌های مقابله با فقر در استان خوزستان، واکاوی فرجه زمینه‌ها، پیامدهای فقر در مناطق شهری می‌شود. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از ۱. شرایط علی تأثیرگذار بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان کدامند؟ ۲. از منظر مطلعین کلیدی راهکارهای مقابله با فقر در مناطق شهری استان خوزستان (اهواز و آبادان) کدامند؟

چارچوب مفهومی

با عنایت به تفاوت‌های پارادایمی روش کمی و کیفی، در پژوهش‌های کیفی به جای استفاده از چارچوب نظری از چارچوب مفهومی استفاده می‌شود. هدف از طرح چارچوب مفهومی دستیابی به دانش زمینه‌ای لازم برای گردآوری و تفسیر داده‌ها بدون جدا ساختن آن‌ها از مبنایشان در میدان پژوهش است؛ بنابراین، چارچوب مفهومی در مطالعات کیفی جهت ایجاد حساسیت نظری و برای

درک موضوع تحقیق در وضعیت خاص صورت می‌گیرد (قانع‌راد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲). مفهوم فقر به محرومیت از قابلیت‌ها، حقوق بشر، آزادی انتخاب و فرصت‌های برابر تعریف شده است. مفهوم یاد شده با جنبه‌هایی از زندگی روزمره مانند درآمد کم، گرسنگی، زندگی در شرایط ناسالم، دسترسی ناکافی به خدمات شهری و اساسی، آسیب‌پذیری، محرومیت سیاسی و اجتماعی، نامنی مرتبط است (زنگنه و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۴۴). قشنگو و حسسان^۱ (۲۰۲۰)، بر این باورند که فقر دارای ابعاد متعدد مالی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، بهداشتی، زیست محیطی و فصلی است که بایکدیگر مرتبط بوده و یکدیگر را تقویت می‌نمایند. می‌توان گفت که رابطه‌ی بین ابعاد فقر خطی نیست و ماهیت چرخه‌ای دارد. برای نمونه کمبود درآمد می‌تواند باعث محرومیت مالی، از دست دادن سرمایه اجتماعی و کمبود منابع اقتصادی و ... شود. به هم پیوستگی ابعاد فقر، فقر را پیچیده می‌کند (قشنگو و حسسان، ۲۰۲۰: ۵-۶).

یکی از رویکردهای برجسته در حوزه‌ی فقر، رویکرد نیازهای اساسی^۲ (BNA) است. این رویکرد تاریخچه طولانی دارد و در اواخر دهه ۱۹۷۰ به طور گسترده مورد توجه قرار گرفت. فلسفه این رویکرد این است که همه‌ی انسان‌ها باید بتوانند از حداقل رفاه برخوردار باشند. این رویکرد با شناسایی اقلام مورد نیاز یا بسته‌ی مصرف اولیه مانند سرپناه، سرویس بهداشتی، آب سالم، غذا و ارزیابی اینکه آیا جمعیت دسترسی کافی به آن دارند یا نه کار می‌کند. طبق این رویکرد، اگر فردی دسترسی ناکافی به این کالاها داشته باشد؛ ممکن است فقیر در نظر گرفته شود و بر عکس. رویکرد مشارکت فقر^۳ نیز به جای تحلیل از دیدگاه سیاست‌گذاران، فقر را از دیدگاه قربانیان تحلیل می‌کند. در این ارتباط چمبرز^۴ (۱۹۹۷) بر این باور است که مشارکت خود فقرا در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها برای درک معنا و میزان فقر در جامعه حیاتی است. این رویکرد به طرز عجیبی نشان داد که فقرا به جای درآمد به عنوان پدیده فقر بر مسائل فیزیکی، انسانی، اجتماعی و زیست محیطی تمرکز می‌کنند (سلیمان و همکاران^۵، ۲۰۱۴: ۶۵). تئوری تله محرومیت یکی دیگر از نظریه‌های برجسته در حوزه‌ی فقر است و شامل مجموعه‌ای از عوامل فقر، ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری، انزوا و بی‌قدرتی در هم تنیده است. این پدیده به عنوان دور باطل فقر، بیماری فقر، تله محرومیت و فقر توصیف می‌شود. تله فقر موقعیتی است که در آن کنشگرانی که دچار فقر هستند، خارج از کنترل آن‌ها است. تله به چرخه تبدیل می‌شود و شروع به تقویت خود می‌کند. این تله‌های انسان ساخت که در اثر روابط کژ کارکردی اقتصادی،

1. Gweshengwe & Hassan

2. Basic Needs Approach

3. Poverty Participation Approach

4. Chambers

5. Sulaiman et al

اجتماعی و سیاسی بوجود می‌آیند، موقعیت فقر را بازتولید و دائمی می‌کنند (سفیری و میرزایی، ۱۴۰۱: ۴۲). یکی دیگر از رویکردهای برجسته در حوزه‌ی فقر **رویکرد قابلیت**^۱ می‌باشد که توسط سن (۱۹۸۵) توسعه یافته است. این رویکرد شامل مؤلفه‌های غیر درآمدی مانند امید به زندگی، سواد و مرگ و میر نوزادان برای سنجش فقر است. رویکرد قابلیت بیشتر بر آنچه که افراد می‌توانند انجام دهند؛ در مقابل آنچه که دارند یا احساس می‌کنند تمرکز دارد. وی معتقد است که در تجزیه و تحلیل رفاه ما باید تمرکزمان از ابزارهای زندگی مانند درآمد را به فرصت‌های واقعی یک فرد یعنی کارکردها و قابلیت‌های یک فرد تغییر دهیم. از نظر سن، قابلیت‌ها فرصت‌هایی هستند که در صورت وجود می‌توان از آن استفاده کرد. وی بیشتر بر قابلیت‌های افراد تأکید می‌کند. بر اساس رویکرد قابلیت سن، فقر محرومیت قابلیت‌های اولیه مانند تغذیه مناسب، پوشاک، سرپناه مناسب، تا دستاوردهای اجتماعی پیچیده‌تر مانند شرکت در زندگی اجتماعی، توانایی حضور در جمع بدون احساس شرم، و... را شامل می‌شود. این رویکرد مطرح می‌کند مردم نیازهای مختلفی دارند و برای دستیابی به آن‌ها به سطوح مختلفی از منابع نیاز است (هیک^۲، ۲۰۱۲: ۲۹۲-۲۹۳). اسکار لویس (۱۹۶۱) از منظر دیگری در تئوری فرهنگ فقر مطرح می‌کند فقرا شیوه‌ی زندگی و منش خاص خود را دارند که گریز از فقر را برای آن‌ها مقدر نمی‌سازد. در این دیدگاه، فقر فقط امر اقتصادی نیست، بلکه شیوه‌ای از تفکر را در افراد فقیر می‌پروراند که به هنجارهایی منجر می‌شود که ویژگی سازگاری با شرایط موجود را در فرد شکل می‌دهد. سازگاری با شرایط فقیرانه به مرور زمان به صورت قالب‌های رفتاری بروز پیدا می‌کند و فرهنگ فقر را می‌سازد (بساطیان، ۱۳۹۰: ۱۳). وی مطرح می‌کند که فقرا رفتارهای روان‌شناختی خاص مرتبط با فقر را یاد می‌گیرند. از نظر وی، فقر از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (سامتی و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۷).

در رویکرد ساختاری نیز بر این نکته تأکید می‌شود فقر محصول فرایندهای ساختاری است. در این رویکرد، مسنی و دنتون^۳ (۱۹۸۹) مطرح می‌کنند که نیروهای ساختاری در یک جامعه (عواملی چون وضعیت شغلی، طبقه، قومیت، تحصیلات و...) توزیع منابع را تعیین می‌کنند. این رویکرد فقدان روحیه‌ی جاه طلبی و اعتماد به نفس در بین فقرا را محصول فرهنگ وابستگی به دیگران تحلیل نمی‌کند بلکه آن را محصول وضعیت فردی-اجتماعی نامطمئن می‌داند (مسنی و دنتون، ۱۹۸۹ به نقل از دیلورس، ۲۰۲۰: ۷). در این راستا ویلسون^۴ (۱۹۸۷) مطرح می‌کند که فقدان چشم‌انداز و تلاش در بین فقرا محصول فقر است نه علت آن. بر اساس این دیدگاه، مبارزه

1. Capability approach
2. Hick
3. Massey and Denton
4. Wilson

با فقر مستلزم تغییر افراد نیست بلکه نیازمند اقدامات سیاسی با هدف توزیع عادلانه ثروت است. از نظر ویلسون فقر شهری محصول دگرگونی ساختاری اقتصاد شهرها است. بحران صنعت، حاشیه‌نشینی، رشد بخش خدمات نامطمئن، افزایش سطح بیکاری، تجدید ساختار در مدل خانواده منجر به فرایندهای فقر در بین خانواده‌ها و اعضای آن می‌شود (دیورس^۱، ۲۰۲۰: ۷).

در ادامه به پیشینه‌های تجربی داخلی و خارجی مرتبط با مسئله‌ی تحقیق اشاره می‌شود. عوامل مؤثر بر فقر چند بعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پنل عنوان پژوهشی است که توسط سالم و یار محمدی (۱۳۹۷) انجام شده است. طبق یافته‌های این پژوهش متغیرهای سطح فردی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شاخص فقر چند بعدی به ترتیب سال‌های تحصیل سرپرست خانوار، درجه‌ی استقلال تعداد اعضای خانوار و بعد خانوار است. از بین متغیرهای کلان، نرخ تورم مهم‌ترین و مؤثرترین متغیر بر شاخص فقر چند بعدی است. یافته‌های پژوهش البرز و همکاران (۱۳۸۶)، با عنوان عوامل تعیین‌کننده احتمال فقر افراد با استفاده از مدل لوجستیک تجمعی ترتیبی نشان داد که وضعیت مسکن، وضعیت اشتغال، وضعیت سواد، جنس سرپرست، بعد خانوار و وضعیت تأهل متغیرهای مهمی هستند که در احتمال فقیر یا شبه فقیر بودن فرد تأثیر بسزایی دارند. در این ارتباط، غضنفری اقدم و علمی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقر در ایران (رویکرد داده‌هایی شبه تابلویی)، پرداختند. یافته‌های پژوهش این دو نشان داد که زن بودن سرپرست خانوار اثر معناداری بر فقر دارد. متغیرهای سال تحصیل و وضعیت درآمدی سرپرست خانوار، تعداد افراد با سواد و تعداد افراد شاغل خانوار اثر معنادار بر احتمال خروج از فقر دارند. بین بعد خانوار و احتمال فقیر شدن رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. پیمان فرهنگ (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی به بررسی و تحلیل خط فقر در استان خوزستان (باتأکید بر جوامع شهری و روستایی) پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که شاخص خط فقر سن در مناطق شهری طی دوره ۷۶ تا ۸۶ تقریباً دارای روند صعودی بوده و فقط در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۳ نسبت به سال قبل با کاهش فقر روبرو شده است. همچنین، نتایج نشان داد که در اکثر سال‌ها خط فقر شهری بیشتر از فقر روستایی بوده است. در این راستا، یافته‌های پژوهش محمدزاده و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بیشترین کاهش احتمال فقر خانوارهای شهری مربوط به تحصیلات سرپرست خانوار و جنسیت سرپرست خانوار می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش عباس‌زاده و نصرالهی وسطی (۱۳۹۷) نشان داد که عدم اشتغال به مشاغل تخصصی، نداشتن درآمد کافی، عدم استخدام توسط سازمان‌های دولتی، نداشتن سیاست‌های مشخص جهت اشتغال افراد تحصیل کرده از سوی مسئولان کشور، بالا بودن هزینه‌های زندگی، نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد تحصیل کرده، وجود رانت در سازمان‌های دولتی در زمینه‌ی استخدام مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های فقر بوده است. طبق یافته‌های این پژوهش، برجسته‌ترین

علل فقر عوامل اقتصادی و مدیریتی بوده است. بررسی نتایج پژوهش سالم و بیات (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که اکثر متغیرهای سطح فردی، از جمله تعداد اعضای خانوار، وضعیت شغلی، سن و سطح تحصیلات خانواده به شدت و به طور قابل توجهی با احتمال وقوع فقر در یک خانوار مرتبط است. از دیگر مطالعات انجام شده در حوزه‌ی فقر می‌توان به پژوهش اسرول و احمد^۱ (۲۰۱۸) با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر فقر در کشور اندونزی اشاره نمود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بیشترین میزان عوامل مرتبط با فقر شامل تولید ناخالص داخلی، مدت تحصیل، امید به زندگی و هزینه‌های زیرساخت دولت می‌باشند. این یافته نشان می‌دهد که با بهبود کیفیت رشد اقتصادی برای کل جامعه می‌توان فقر را کاهش داد. در این ارتباط، اندازه‌گیری و تعیین گره‌های فقر چند بعدی: شواهدی از مناطق کوهستانی جنوب شرقی چین عنوان پژوهشی است که توسط وانگ و همکاران^۲ (۲۰۲۱) به روش کیفی انجام شده است. در این پژوهش با ۱۹۸ خانوار در شهرستان شونینگ استان فوجیان چین مصاحبه انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که حدود ۶۰ درصد خانوارهای مورد بررسی، فقر چند بعدی را تجربه کرده‌اند. میزان محرومیت در بعد آموزشی و بهداشتی بیشتر از ابعاد درآمد و استانداردهای زندگی بوده است. نتایج نشان داد که ناتوانی یا بیماری مزمن تعیین‌گر اصلی فقر در این مناطق است؛ بنابراین، تمرکز سیاست کاهش فقر باید از رشد درآمد به بهبود آموزش و سلامت تغییر یابد. مرور سیستماتیک مطالعات داخلی و خارجی انجام شده پیرامون فقر شهری نشان می‌دهد که این مطالعات غالباً با رویکرد کمی و با تکیه بر رویکردهای اقتصادی، پیشران‌های اصلی تاثیرگذار بر فقر را شناسایی کرده و از مزیت‌های روش کیفی خصوصاً تئوری داده بنیاد جهت توصیف و تحلیل فریه مسئله استفاده نکرده‌اند. بنابراین، در این پژوهش سعی می‌شود جهت جبران ضعف تحقیقات پیشین، فرایند فقر در مناطق شهری استان خوزستان با روش کیفی مورد بررسی قرار گیرد.

روش پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی ریشه‌ها و پیامدهای فقر در مناطق شهری استان خوزستان (اهواز و آبادان) می‌باشد. در این پژوهش با عنایت به موضوع تحقیق از روش کیفی و از استراتژی تئوری داده بنیاد استفاده شده است. رویکرد نظریه‌ی داده بنیاد یک نوع روش پژوهش کیفی است که به طور استقرایی یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای درباره‌ی پدیده‌ی مورد مطالعه ایجاد بکند (محب‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). در این رویکرد، در ابتدا محققان تئوری پیش فرض در ذهن ندارند اما از زمینه‌ی پژوهش شروع می‌کنند و نظریه

1. Asrol & Ahmmad

2. Wang et al

از داده متولد می‌شود؛ تئوری‌ای که ریشه در دنیای واقعی دارد، توسعه داده می‌شود (وان چییانگ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۶).

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر مطلعین کلیدی اعم از خبرگان دانشگاهی، کارشناسان ارشد دستگاه‌های اجرایی (کارشناسان استانداری، کارشناسان دفتر تسهیل‌گری اهواز، کارشناسان اجتماعی فرمانداری اهواز و آبادان)، افراد و خانواده‌های ساکن در مناطق شهری اهواز و آبادان بوده است. در تحقیق حاضر برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه استفاده شده است. شیوه نمونه‌گیری یا به عبارتی انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نیز هدفمند بوده است. نمونه‌گیری هدفمند به این معنی است که پژوهشگر، افرادی را برای مطالعه انتخاب کند که بتوانند آگاهی هدفمندی در زمینه‌ی درک مسئله‌ی پژوهش و پدیده مورد مطالعه در اختیار او قرار دهد. در این رابطه، اینکه چه کسی باید انتخاب شود، چه نوع نمونه‌گیری مورد استفاده قرار گیرد و چه تعداد افراد باید انتخاب شوند، نیز باید مورد توجه قرار گیرد (کرسول، ۱۳۹۱؛ ۱۳۲). در این پژوهش شرط ورود افراد به میدان داشتن اطلاعات کلیدی پیرامون مسئله تحقیق بوده است. مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافته است. به این نحو که بعد از ۴۶ مصاحبه با مطلعین کلیدی یاد شده به خاطر اشباع نظری، فرایند مصاحبه متوقف شده و یافته‌ها بر اساس رویه‌های نظاممند کوربین و استرواس در سه مرحله باز، محوری و گزینشی کدگذاری شده است. در مرحله‌ی کدگذاری باز متن مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه بررسی و با استفاده از عبارت کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط پژوهشگران کدگذاری گردید. در مرحله‌ی کدگذاری محوری، کدهای مشابه از نظر ماهیت و معنا در یک طبقه قرار گرفتند. طبقات و کدهای هر مصاحبه با مصاحبه بعدی مقایسه شد تا خواص و روابط مشترک بین آن‌ها شناسایی شوند. سپس طبقات مشابه به لحاظ مفهومی در هم ادغام گردید و حول محور مشترکی قرار گرفته و طبقات وسیع‌تری را تشکیل داده‌اند و در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی با تمرکز بیشتر بر روی طبقات (مقولات) ارتباط بین طبقات و زیر طبقات بررسی شده و طبقه اصلی ایجاد می‌شود (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۴). در این پژوهش، برای بررسی اعتبار یافته‌های مصاحبه از تکنیک کنترل اعضا و خودبازبینی محقق و برای ارزیابی پایایی یافته‌ها از رویه‌های ویژه‌ی کدگذاری استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

مشخصات مشارکت‌کنندگان

مشارکت کنندگان پژوهش حاضر ۴۶ نفر از مطلعین کلیدی شهر اهواز و آبادان بوده که از این تعداد، ۳۰ نفر مرد و ۱۶ نفر زن بوده است. سطح تحصیلات ۴ نفر از مشارکت کنندگان بی‌سواد، ۶ نفر ابتدایی، ۱ نفر راهنمایی، ۶ نفر متوسطه، ۲ نفر فوق دیپلم، ۳ نفر لیسانس، ۱۷ نفر فوق لیسانس، ۴ نفر دکتری، ۱ نفر دانشجوی دکتری بوده است. رشته‌ی تحصیلی مصاحبه شونده‌گان شامل رشته‌های روابط بین‌الملل (۱ نفر)، روان‌شناسی بالینی (۱ نفر) علوم اقتصادی (۱ نفر) علوم تربینی (۱ نفر) اقتصاد (۲ نفر)، مدیریت بحران (۱ نفر)، ادبیات، (۲ نفر)، مشاوره (۱۰ نفر) روان‌شناسی (۵ نفر)، مدیریت (۱ نفر)، جامعه‌شناسی (۲ نفر)، علوم انسانی (۵ نفر)، علوم سیاسی (۲ نفر)، زیست‌شناسی (۱ نفر)، علوم اجتماعی (۱ نفر)، حسابداری (۱ نفر) حقوق (۱ نفر)، مددکاری (۱ نفر)، مدیریت بازرگانی (۱ نفر)، مدیریت بازرگانی (۱ نفر) علوم تجربی (۱ نفر) بوده است.

شرایط علی

فرهنگ ضعیف کار و روالمند شدن فقر: فرهنگ کار مجموعه ارزش‌ها، باورها و دانش‌های مشترک و پذیرفته شده‌ی یک گروه کاری در انجام فعالیت‌های معطوف به تولید و یا ایجاد ارزش افزوده می‌باشد. هنگامی که فرهنگ کار در یک جامعه در سطح کلان و در یک سازمان در سطح خرد ضعیف است، در این شرایط افراد به انجام کار مولد و مفید تمایل نداشته و در نتیجه فعالیت‌های آن‌ها از راندمان و اثربخشی پایینی برخوردار خواهد بود. فرهنگ کار به عنوان یک شیوه زندگی نقش بنیادی و زیربنایی در ارتقای سطح پویایی جامعه دارد. برای حرکت شتابنده به سمت شکوفایی اقتصادی، حمایت از فرهنگ کار مطلوب و مثبت مورد نیاز است (وکیلی، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۷). یافته‌های مصاحبه نشان داد که شیوع فقر در مناطق شهری استان خوزستان متأثر از کم و کیف فرهنگ کار می‌باشد. مصاحبه شونده‌گان تصریح کرده‌اند که فقرا تمایل به کار کردن ندارند و به فقر عادت کرده‌اند. از نظر مصاحبه شونده‌گان، زندگی با حداقل‌ها و ضعف فرهنگی در زمینه‌ی ورود به مشاغل مهارت از مصادیق فرهنگ کاری ضعیف می‌باشد.

جدول شماره ۱: مقوله فرهنگ ضعیف کار و روالمند شدن فقر و مفاهیم مرتبط با آن

مفاهیم	مقوله
فرهنگ کار متفاوت عرب‌ها و عدم گرایش به انجام هر کاری، لزوم تقویت فرهنگ کار در این رابطه، ضعف فرهنگی در زمینه‌ی ورود به مشاغل مهارت‌زا، عادت کردن مردم به فقیر بودن، لزوم نهادینه کردن فرهنگ کار، لزوم حمایت فرهنگی از کار، فرهنگ ضعیف کاری، نرفتن به دنبال کار، زندگی با حداقل‌ها و فرهنگ ضعیف کاری، تمایل کم به کار کردن، جا نیافتادن حرفه آموزی در	فرهنگ ضعیف کار و روالمند شدن فقر

بین جوانان، پذیرش شرایط فقر و تطابق خود با این نحوه‌ی زندگی.

بیکاری و رکود اقتصادی: بیکاری و عدم دسترسی یا دسترسی محدود به فرصت‌ها و منابع کسب درآمد و اشتغال که در جامعه به صورت بیکاری یا کم کاری عینیت می‌یابد از عوامل مؤثر بر فقر و نابرابری‌های اقتصادی است (عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۹). تأکید مصاحبه‌شوندگان بر مفاهیمی چون نرخ بالای بیکاری جوانان، دسترسی ضعیف به خوراک و پوشاک، عدم برخورداری از حداقل امکانات زندگی، عدم دسترسی افراد محروم به آموزش و بهداشت، محروم بودن حاشیه‌نشین‌ها از امکانات اولیه زندگی تأیید این مدعا است.

جدول شماره ۲: مقوله بیکاری و رکود اقتصادی و مفاهیم مرتبط با آن

مقوله	مفاهیم
بیکاری و رکود اقتصادی	رشد منفی اقتصادی، رکود، پایین بودن قدرت خرید مردم، فلج شدن اقتصاد، کاهش رشد اقتصادی، کاهش رشد اشتغال، فضای کلان رکودی، بیکاری، بیکاری سرپرستان خانوار، در مناطق حاشیه‌نشین، نرخ بالای بیکاری در مناطق حاشیه‌نشین، شرایط اقتصادی نامناسب خانواده‌ها، تورم و گرانی، عدم برخورداری از حداقل امکانات، قدرت خرید پایین، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، عدم داشتن درآمد، نداشتن کار، پول، امکانات زندگی، فشار تورم بر طبقات پایین جامعه، افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، تجربه‌ی فشار اقتصادی، فقدان برخورداری از حقوق ماهیانه، بی‌ثباتی قیمت‌ها، نبود مراکز کار، فشار ناشی از بیکاری، نرخ بالای بیکاری جوانان، دسترسی ضعیف به خوراک و پوشاک، بدون شام خوابیدن فقرا، افزایش پوشش خط فقر، خوردن یک وعده غذا در طول شبانه روز به خاطر فقر، عدم برخورداری از حداقل امکانات زندگی، نداشتن وضع زندگی خوب، نبود خدمات اجتماعی و عمومی برای فقرزدایی، عدم دسترسی افراد محروم به آموزش و بهداشت، فراهم نبودن بسترهای اشتغال، محروم بودن حاشیه‌نشین‌ها از امکانات اولیه زندگی مثل آب و ...، تعطیلی کارخانه‌ها، نداشتن درآمد، رکود اقتصادی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین، نداشتن امنیت شغلی، مشارکت اقتصادی پایین زنان در بازار کار.

حمایت و پشتیبانی ضعیف از حاشیه‌نشینان: از منظر مصاحبه‌شوندگان یکی از عوامل مؤثر بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان، حمایت و پشتیبانی ضعیف از حاشیه‌نشینان است. حمایت اجتماعی اغلب به کمک‌های افراد مهم زندگی فرد در شرایط بحران و نیاز اشاره دارد. حمایت اجتماعی شامل مشورت، کمک‌های عاطفی، خدمات، کمک‌های مالی، اطلاعات و

مصاحبت و هم‌نشینی می‌باشد (صحرائیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۰۵). یافته‌های مصاحبه نشان داد که بین میزان برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه دولت و میزان فقر رابطه‌ی محتوایی وجود دارد. هرچه میزان حمایت دریافتی از سوی دولت و سازمان‌ها و ... کمتر باشد، میزان فقر در مناطق فقیرنشین افزایش می‌یابد و برعکس.

جدول شماره ۳: مقوله حمایت و پشتیبانی ضعیف از حاشیه‌نشینان و مفاهیم مرتبط با آن

مفاهیم	مقوله
عدم رسیدگی به خرابی‌های بعد از جنگ، عدم رسیدگی دولت، عدم رسیدگی دولت به مسائل مناطق عرب‌نشین، کم‌توجهی دولت به رفاه حاشیه‌نشینان، عدم رسیدگی به مطالبان حاشیه‌نشینان، عدم انجام اصلاحات اساسی در مناطق حاشیه‌نشین، عدم اولویت‌دهی به مناطق محروم، عدم حمایت دولت از مردم، عدم اعطای تسهیلات از سوی دولت، بی‌توجهی دولت به این مناطق، عدم حمایت از مطلقه‌ها، لزوم اعطای وام‌های کم‌بهره و تسهیلات ارزان، عدم کمک دولت به زنان بدسرپرست و زنان دارای شوهر مریض، عدم حمایت دولت از زنان معلقه و داری همسر مشکل‌دار و بدسرپرست، عدم حمایت کافی از فقرا، عدم انجام اقدامات مناسب به سیل‌زندگان، عدم کمک دولت در آب و برق به مناطق حاشیه‌نشین، همکاری کم مسئولان با حاشیه‌نشینان در اعطای تسهیلات، عدم توجه دولت به مسائل حاشیه‌نشینان، عدم حمایت دولت از افراد بومی، عمل‌گرا نبودن مسئولان، عدم رسیدگی مسئولان، عدم اعطای تسهیلات بانکی آسان، رسیدگی بیشتر به مناطق برخوردار، توجه ویژه به مناطق برخوردار، تخصیص منابع بیشتر به مناطق برخوردار، چشم‌پوشی از مناطق برخوردار، حمایت از افراد خلاق در مناطق حاشیه‌نشین، حمایت قانونی ضعیف از افراد فقیر، عدم رسیدگی به مناطق و عدم تخصیص مناسب بودجه، عدم حمایت دولت از کارآفرینان، حمایت کم دولت از بومیان، کم‌کاری دولت، عدم پیگیری و جذب اعتبار جهت آموزش مهارت‌های زندگی حاشیه‌نشینان، اعطای کم تسهیلات در زمینه‌ی کشاورزی، عدم ایجاد اشتغال در زمینه‌ی کشاورزی	حمایت و پشتیبانی ضعیف از حاشیه‌نشینان

ضعف سرمایه روان‌شناختی: سرمایه روان‌شناختی شامل درک افراد از خویشتن، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت و مقاومت در برابر مشکلات تعریف می‌شود. مفهوم یاد شده سازه‌ای ترکیبی و به هم پیوسته است که دارای مؤلفه‌های امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی می‌باشد (بهادری خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۶). مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که افراد فقیر به آینده امیدوار نبوده و از نظر روحی و روانی در وضعیت ایده‌آل نیستند. همچنین، افراد منتخب در مصاحبه تصریح کرده‌اند که در شیوع فقر مناطق فقیرنشین عوامل

روانی خیلی تأثیرگذار است. آنان بر این باورند که در بین فقرا نرخ افسردگی زیاد بوده و این هم به نوبه‌ی خود در افزایش میزان فقر مؤثر است. تأکید مصاحبه‌شوندگان بر مفاهیمی چون تمایل ضعیف به کار، عدم تمایل افراد به تغییر در زندگی خود، عدم علاقه به آموزش مهارت‌های جدید، نداشتن انگیزه پیشرفت کار تایید این مدعا است.

جدول شماره ۴: مقوله ضعف سرمایه‌ی روان شناختی و مفاهیم مرتبط با آن

مفهوم	مقوله
شیوع افسردگی در بین فقرا، ضعف بودن از نظر روحی و روانی، داشتن روحیه‌ی ضعیف، مهم بودن عوامل روانی، بینش و نگرش به کار، نداشتن چشم انداز برای آینده، نداشتن امید به آینده، نداشتن جاه طلبی	ضعف سرمایه‌ی روان شناختی

عدم توانمندسازی حاشیه‌نشینان: راپاپورت (۱۹۸۷) توانمندسازی را مکانیسمی می‌داند که توسط آن افراد، سازمان‌ها و جوامع بر امور خود تسلط پیدا می‌کنند. وی این مفهوم را به معنای مشارکت محترمانه، دلسوزانه و متفکرانه در گروه اجتماعی برای بدست آوردن دسترسی مساوی و کنترل بر منابع می‌داند (فیروزفر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۲). یکی از ابعاد مهم توانمندسازی، توانمندسازی آموزشی می‌باشد. تحقیق در یافته‌های مصاحبه نشان داد که توانمندسازی آموزشی حاشیه‌نشینان نقش مهمی در کاهش فقر دارد؛ بنابراین، از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، بی‌توجهی به توانمندسازی آموزشی حاشیه‌نشینان باعث تشدید فقر در این مناطق می‌شود. آنان معتقدند در مناطق فقر نشین استان خوزستان به دوره‌های آموزشی مهارت‌زا توجه کافی نشده است.

جدول شماره ۵: مقوله عدم توانمندسازی حاشیه‌نشینان و مفاهیم مرتبط با آن

مفهوم	مقوله
عدم توجه به مهارت‌آموزی حاشیه‌نشینان، عدم توجه به آموزش‌های عملی، کارآفرینی و توانمندسازی، عدم آموزش فرهنگ مهارت‌آموزی، فراهم کردن زمینه‌ی شکوفایی فردی در مدارس و مهد کودک‌ها، عدم برگزاری دوره‌ی مهارت‌آموزی، فقدان آموزش‌های مهارت‌زا، عدم توانمندسازی افراد در دانشگاه و آموزش و پرورش، آموزش فقرا جهت ایستادن روی پای خود، ضعف سیستم آموزشی، بی‌توجهی به آموزش‌های مهارتی و عملی، آموزش از طریق سازمان‌های خصوصی، کم توجهی به کیفیت سرمایه‌ی انسانی، ضعف آموزش‌های همگانی، عدم یادگیری حرفه و مهارت از سوی جوانان.	عدم توانمندسازی حاشیه‌نشینان

عدم شایسته سالاری: نظام شایسته سالاری نظامی است که در آن مزایا و موقعیت‌های شغلی تنها بر اساس شایستگی و نه بر مبنای جنسیت، طبقه اجتماعی، قومیت و یا ثروت به افراد داده می‌شود (نصر اصفهانی و نصر اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). بر اساس یافته‌های مصاحبه می‌توان گفت که عدم شایسته سالاری با مصادیقی چون قرار نگرفتن افراد در جایگاه واقعی خود، عدم انتخاب مدیران بر اساس شایسته سالاری و تخصص و توانمندی، نامرتب بودن رشته افراد با پست مدیریتی باعث بازتولید فقر در مناطق شهری اهواز و آبادان می‌شود.

جدول شماره ۶: مقوله عدم شایسته سالاری و مفاهیم مرتبط با آن

مقوله	مفاهیم
عدم شایسته سالاری	قرار نگرفتن افراد در جایگاه واقعی خود، عدم همخوانی سواد و تخصص افراد با پست سازمانی شان، عدم توجه به شایسته سالاری در استان، نامرتب بودن رشته افراد با پست مدیریتی، بی‌سواد بودن در سیستم مدیریتی، آشنایی ضعیف مدیران با قوانین مدیریت و مسائل اجتماعی، چیدمان غلط در شورای شهر، عدم حضور افراد متخصص و کاردان در مدیریت شهری، نداشتن سواد و تخصص لازم، کمبود کارشناس واقعی؛ پیش نرفتن کارها بر اساس شایسته سالاری، عدم انتخاب مدیران بر اساس شایسته سالاری و تخصص و توانمندی، فقدان افراد خبره و شایسته

توزیع نامتقارن منابع و احساس تبعیض و نابرابری: یافته‌های مصاحبه نشان داد که شیوع فقر در مناطق شهری استان خوزستان متأثر از سازه‌ی توزیع نامتقارن منابع و احساس تبعیض و نابرابری است. فقر نسبی بازتاب نابرابری‌هایی است که سؤالات مهم دست پیدا کردن عادلانه، به حقوق و منابع از آن ناشی می‌شود (جمالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۰). یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین توزیع نامتقارن منابع و احساس نابرابری و فقر در مناطق شهری اهواز و آبادان رابطه‌ی محتوایی وجود دارد. یعنی با افزایش احساس محرومیت، نابرابری و تبعیض، میزان فقر در این مناطق افزایش می‌یابد و برعکس.

جدول شماره ۷: مقوله توزیع نامتقارن منابع و احساس تبعیض و نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن

مقوله	مفاهیم
توزیع نامتقارن منابع و احساس تبعیض و نابرابری	توزیع نامتقارن خدمات، توزیع نابرابر خدمات، عدم تخصیص بهینه منابع در شهرستان، توزیع نابرابر مزاد، بلعیدن سرمایه در مرکز استان، کار ندادن شرکت‌ها به اعراب، احساس تبعیض وحشتناک در این مناطق، نامتقارن بودن توزیع امکانات، درآمد و مصرف، احساس محرومیت در بین طبقات اجتماعی، نابرابری در توزیع فرصت‌ها، بی‌عدالتی و تبعیض، بی‌عدالتی در تقسیم فرصت‌های شغلی، تبعیض در جذب نیروی انسانی، عدم دسترسی برابر به امکانات فرهنگی، عدم استخدام نیروهای بومی در شرکت‌ها، تبعیض قومیت، نابرابری و عدم تعادل در توسعه، فرصت‌های اشتغال نابرابر، توزیع نابرابر ثروت، توزیع

نابرابر موقعیت‌های شغلی، عدم تعادل در توسعه و بهبود شرایط آموزشی، اقتصادی و زیربنایی، نبود عدالت اجتماعی، تأثیر زیاد قومیت در اشتغال جوانان، شکاف قومی، توسعه نامتوازن شهر اهواز، توزیع نابرابر درآمد، شکاف زیاد شهرستان‌های برخوردار با محروم، شکاف شدید طبقاتی، احساس محرومیت و تبعیض، احساس در حاشیه بودن، احساس بی‌توجهی
--

ناکارآمدی در مدیریت شهری: مدیریت درست شهری می‌تواند موجب بسط توانایی‌های شهروندان، تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر، تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به مدیریت شهری و در نهایت، حل مشکلات شهری از طریق مشارکت شهروندان و مدیریت شهری شود (نظریان و شوهانی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). یافته‌های تحلیلی پژوهش حاضر نشان داد که بین ناکارآمدی در مدیریت شهری و شیوع فقر در مناطق شهری اهواز و آبادان رابطه‌ی محتوایی معنی دار وجود دارد. یعنی با افزایش ناکارآمدی در مدیریت شهری، میزان فقر در این مناطق افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۸: مقوله ناکارآمدی در مدیریت شهری و مفاهیم مرتبط با آن

مفاهیم	مقوله
عدم استفاده از ظرفیت‌های اقوام در توسعه اقتصادی و سیاسی استان، سوء مدیریت، عدم مدیریت صحیح در سطح کلان، مدیریت ناکارآمد شهری، ضعف مدیران در تدوین سیاست‌های مقابله با فقر، بی‌توجهی مسئولان به نخبگان استان در اعطای تسهیلات و رشد اقتصادی، عدم ایجاد زمینه‌های اشتغال، مدیریت ناکارآمد در سازمان‌دهی اشتغال، ناتوانی و عملکرد ضعیف مدیران، عدم برنامه ریزی در رفع مشکلات، ضعف برنامه ریزی در زمینه‌های خدماتی، بهداشتی و آموزشی، عدم انتصاب مدیران کارآمد برای شهرستان از سوی مرکز استان، ناکارآمدی مدیریت شهری، بی‌برنامه‌گیری مسئولان، فقدان برنامه ریزی و مدیریت ضعیف شهری، عدم استفاده مؤثر مسئولان از مزیت‌های نسبی استان، عدم بازدید میدانی از مناطق محروم، سنگ‌اندازی مسئولان در اعطای تسهیلات به مناطق حاشیه‌نشین، بی‌توجهی به نخبگان و مهاجرت آن‌ها از اهواز، طراحی غیر اصولی شهر اهواز و توسعه نامتوازن آن، عدم سرمایه گذاری کافی در بخش‌های مختلف آموزشی و بهداشتی، بی‌کفایتی مسئولان، عدم دغدغه مسئولان نسبت به حل مسائل مناطق حاشیه‌نشین، عدم برنامه ریزی صحیح و نبود عزم جدی در این زمینه، عدم مدیریت اصولی در ساختارهای دولتی، مدیریت ناکارآمد، عدم طراحی سازوکارهای استانی جهت خروج از مسائل، دو دستگی در سطح مدیریتی استان، موانع مدیریتی و نداشتن برنامه مدون، کم‌کاری مسئولان، بی‌برنامه‌گیری و فقدان برنامه ریزی، مدیریت غیر اصولی و ضعیف در استان، عمل ضعیف به تعهدات، آگاهی کم مسئولان از مسائل و عدم انجام اقدامات عملی درست و برنامه ریزی شده، سوء مدیریت، همت مدیریتی کم، کم بودن مدیران جهادی، متخصص و متعهد دلسوز، عدم وجود مدیران متخصص و تحول آفرین.	ناکارآمدی در مدیریت شهری

ضعف حکم رانی و همدلی سازمانی: یافته‌های تحلیلی پژوهش حاضر نشان داد که ضعف شاخص‌های حکمرانی و همدلی سازمانی یکی دیگر از شرایط علی تأثیرگذار بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان (اهواز و آبادان) می‌باشد. در این ارتباط مصاحبه شونده‌گان معتقدند که برای مبارزه با فقر بین نهادهای اجتماعی و حمایتی هماهنگی وجود ندارد و بایستی با همکاری نهادها و سازمان‌ها در این مناطق اصلاحات اساسی انجام شود. آن‌ها بر این باورند که مبارزه با فقر در گرو همکاری و اقدامات هماهنگ سازمان‌ها و نهادهای مرتبط است.

جدول شماره ۹: مقوله ضعف حکم رانی و همدلی سازمانی و مفاهیم مرتبط با آن

مفهوم	مقوله
عدم هماهنگی نهادهای اجتماعی و حمایتی در مقابله با فقر، عدم هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در خصوص کاهش فقر، لزوم همدلی بین مسئولان، لزوم وارد عمل شدن سازمان‌های مردم نهاد و شهرداری جهت حل مسائل، انجام اصلاحات اساسی در این مناطق با همکاری سازمان‌ها، لزوم هماهنگی مدیران با برنامه‌ی توسعه استان	ضعف حکم رانی و همدلی سازمانی

فساد اقتصادی و اداری: وجود هر نوع فساد در نظام اداری می‌تواند مانع مهمی بر سر راه تحقق توسعه باشد (حیدری و محمدی، ۱۳۹۴: ۷۸). از منظر مشارکت کنندگان، فساد اقتصادی و اداری با مصادیقی چون به دنبال منفعت شخصی خود بودن، فساد اقتصادی، فساد در بین مدیران، اختلاس مسئولان از دیگر شرایط علی تأثیرگذار بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان می‌باشد.

جدول شماره ۱۰: مقوله فساد اقتصادی و اداری و مفاهیم مرتبط با آن

مفهوم	مقوله
فساد اداری شدید، لابی‌گری مسئولان، به دنبال منفعت شخصی خود بودن، فساد اقتصادی، فساد در بین مدیران، حیف و میل کردن بودجه‌ی شهری، اعطای مجوزهای غیر کاشناسی به ساخت وسازها، اختلاس مسئولان	فساد اقتصادی و اداری

فرهنگ مطالبه‌گری ضعیف مردم: کراکس ویزنر^۱ «مطالبه‌گری^۲» را یک رفتار فعالانه و پیگیرانه می‌داند که در آن یک شهروند تلاش می‌کند تا از راه‌های مختلف با مقامات رسمی یا اداری که دارای صلاحیت اجرایی برای تخصیص و توزیع کالا و خدمات عمومی هستند، به

1. Kruks-Wisner
2. claim making

منظور انتقال درخواست خود ارتباط برقرار بکنند (نقره‌ای و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۰). یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که شیوع فقر در مناطق شهری استان خوزستان متأثر از سازه‌ی فرهنگ مطالبه‌گیری ضعیف مردم می‌باشد. مصاحبه شونده‌گان تصریح کرده‌اند که مردم مسائل و مشکلات خود را به مسئولان گزارش نمی‌دهند و زیاد پیگیر مسائل نیستند. افراد منتخب در مصاحبه خاطر نشان کرده‌اند که روحیه‌ی مطالبه‌گیری در بین فقرا ضعیف بوده و این امر به نوبه‌ی خود به افزایش فقر در مناطق شهری منجر می‌شود.

جدول شماره ۱۱: مقوله فرهنگ مطالبه‌گری ضعیف مردم و مفاهیم مرتبط با آن

مقوله	مفاهیم
فرهنگ مطالبه‌گری ضعیف مردم	فقدان روحیه‌ی مطالبه‌گری در بین مردم، عدم پیگیری مسائل از سوی مردم، روحیه‌ی مطالبه‌گری ضعیف، ضعف فرهنگ مطالبه‌گری، عدم گزارش مسائل به مسئولان، عدم درخواست از مسئولان برای رسیدگی به مسائل

ضعف اتخاذ مشی علمی در سیاست‌گذاری‌ها: طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۱۲، اتخاذ مشی علمی در سیاست‌گذاری‌ها از عوامل مؤثر بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان می‌باشد. عدم وجود سیستم جریان‌یابی علمی مسائل از سوی مسئولان، انجام کار علمی و مطالعاتی پیرامون مسائل، فقدان نگاه علمی و تخصصی به مسائل، نگاه قومی مسئولان، گرایش‌های قومی و قبیله‌ای مسئولان از جمله مفاهیم مرتبط با این عامل می‌باشد.

جدول شماره ۱۲: مقوله ضعف اتخاذ مشی علمی در سیاست‌گذاری‌ها و مفاهیم مرتبط با آن

مقوله	مفاهیم
ضعف اتخاذ مشی علمی در سیاست‌گذاری‌ها	عدم وجود سیستم جریان‌یابی علمی مسائل از سوی مسئولان، انجام کار علمی و مطالعاتی پیرامون مسائل، فقدان نگاه علمی و تخصصی به مسائل، نگاه قومی مسئولان، گرایش‌های قومی و قبیله‌ای مسئولان

شرایط زمینه‌ساز فقر در مناطق شهری استان خوزستان

سرمایه‌ی فرهنگی ضعیف شهروندان: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سرمایه‌ی فرهنگی ضعیف شهروندان از دیگر شرایط علی تأثیرگذار بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان می‌باشد. در این راستا، بورديو بر این باور است که سرمایه‌های غیر اقتصادی یا غیر مادی قابل انباشت، مبادله و تبدیل به سایر انواع سرمایه اند. همچنین، سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند حاصل مهارت‌ها و تجربه‌هایی باشد که مجوز ورود به عرصه‌هایی را برای شخص و

گروه‌ها فراهم می‌سازد. میزان دسترسی به مؤلفه‌های سرمایه‌ی فرهنگی موجب احراز نوعی خاص از سبک زندگی توسط آن‌ها می‌شود (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۵). از منظر مصاحبه‌شوندگان، ضعف شاخص‌های سرمایه‌ی فرهنگی و شایستگی کانونی به بازتولید فرهنگ فقر در مناطق شهری استان خوزستان کمک می‌کنند. آنان بر این باورند که فقرایی که از تحصیلات پایین برخوردار هستند، آن‌ها از مهارت‌های کافی برای ورود به بازار کار برخوردار نیستند.

قوم‌گرایی شدید در انتصاب‌ها: مصاحبه‌شوندگان مطرح کرده‌اند که در انتخاب نمایندگان و شوراها قومیت نقش مهمی دارد و در توزیع خدمات و امکانات نیز قوم‌گرایی ملاحظه می‌شود. در این ارتباط گرهارد لسنکی، در نظریه‌ی سیاسی قوم‌گرایی، نقش قدرت و امتیازات ناشی از آن و در مقابل نقش بی‌قدرتی و عوارض ناشی از آن را در قوم‌گرایی مؤثر می‌داند. وی بیشتر بر نقش قدرت دولت و امتیاز ناشی از آن تأکید دارد. نامبرده بر این باور است که قدرت باعث دسترسی به امتیازات مادی می‌شود و این امتیازات مادی در نهایت باعث حیثیت برای گروه مصاحبه‌ قدرت می‌شود (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۰).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی ضعیف شرکت‌ها: طبق دیدگاه گریفین و بارنی^۱، مسئولیت اجتماعی، مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان بایستی در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد (مشبکی و خلیلی شجاعی، ۱۳۸۹: ۴۳). مصاحبه‌شوندگان خاطر نشان کرده‌اند که شرکت‌های مستقر در این استان به وظایف اجتماعی خود در حوزه‌ی آموزش، بهداشت و... عمل نمی‌کنند.

آنومی در استخدام و خویشاوندگرایی غیرمنطقی: آنومی سازمانی وضعیتی است که قواعد رفتاری و هنجارها در سازمان شکسته شده یا در طول دوره‌ای از تغییرات سریع، سازمان کارآمدی خود را از دست می‌دهد. مفهوم یاد شده به فقدان پایبندی به قوانین و مقررات، هنجارها و قواعد سازمانی اشاره دارد که طی آن افراد احساس می‌کنند هیچ گونه ملاکی در تصمیمات خود ندارند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۸). کدگذاری یافته‌های مصاحبه نشان داد که آنومی در استخدام و خویشاوندگرایی غیرمنطقی با مصادیقی چون پارتی بازی در استخدام شرکت‌ها، استخدام فامیلی در شرکت‌ها، حاکم بودن روابط بر ضوابط مشوق فقر در مناطق شهری استان خوزستان می‌باشد.

جدول شماره ۱۳: مفاهیم و مقولات مرتبط با شرایط زمینه ساز فقر در مناطق شهری استان خوزستان

مفهوم	مقوله
تحصیلات پایین، عدم آشنایی مردم نسبت به حقوق خود، فقر فرهنگی، ترک تحصیل جوانان، پایین بودن سطح تحصیلات سرپرستان خانوار، عدم دسترسی به امکانات	

1. Griffin and Barney

فرهنگی، نداشتن سواد و تخصص برای دسترسی به شغل، تحصیلات پایین در مناطق فقیرنشین، نداشتن مهارت و تخصص، آگاهی کم از روش‌های درآمدزایی نوین، آگاهی کم از روش‌های فروش آنلاین، شکاف دانش، نداشتن مهارت کافی، برخوردار نبودن از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، عدم اطلاع کافی از بازار کار، نداشتن سواد، مهارت نداشتن زنان برای ورود به بازار کار، آگاهی پایین افراد از بازار کار، عدم آشنایی با روش‌های جدید تولید پوشاک، آگاهی پایین از حقوق خود	سرمایه‌ی فرهنگی ضعیف شهروندان
پارتی بازی در استخدام شرکت‌ها، آشنابازی در استخدام، تأثیر زیاد داشتن آشنا در استخدام شرکت‌ها، مهم بودن داشتن رابطه و سرمایه اجتماعی و نفوذ در سازمان‌ها، استخدام فامیلی در شرکت‌ها، پارتی بازی، حاکم بودن روابط بر ضوابط	آنومی در استخدام و خویشاوندگرایی غیر منطقی

ادامه جدول شماره ۱۳

مفاهیم	مقوله
بی‌مسئولیتی شرکت‌های نفتی، عقد قرار داد با شرکت‌های بیمه خارج از استان (تهران)، عدم توجه شرکت‌های نفتی به نهادهای محلی، بردن منابع شرکت‌ها به خارج از استان و عدم ارائه شغل به جوانان بومی، بی‌توجهی شرکت‌ها به استخدام بومیان، عدم استفاده شرکت‌ها از نیروهای تحصیل کرده بومی، کم کاری شرکت‌ها، مقصر بودن شرکت نفت در فقر، نادیده گرفتن مسائل و منافع مردم از سوی شرکت‌ها، عدم تعهد شرکت‌ها به وظایف اجتماعی خود در حوزه آموزش، ساخت مدرسه، بهداشت، عدم عمل به تعهدات از سوی شرکت‌ها، عدم عمل به تعهدات در زمینه‌ی مسئولیت اجتماعی، زیر بار نرفتن شرکت‌ها برای عمل به وظایف اجتماعی خود، حمایت ضعیف شرکت‌ها از بومیان	مسئولیت‌پذیری اجتماعی ضعیف شرکت‌ها
نگاه قومی و قبیله‌ای و نه علمی، انتخاب نادرست نمایندگان، انتخاب نمایندگان و شوراها بر اساس قومیت و نه تخصص، انتخاب شیرهای نمایندگان، نگاه قومی در انتخاب مدیران، قوم‌گرایی در توزیع خدمات و امکانات، نفوذ گروه‌ها و اقوام در انتصاب‌ها	قوم‌گرایی شدید در انتصاب‌ها

شرایط مداخله‌گر

عملکرد ضعیف رسانه‌های محلی: کدگذاری یافته‌های مصاحبه نشان داد که رسانه‌های محلی در تقویت روحیه‌ی مطالبه‌گری شهروندان ضعیف عمل کرده‌اند. مصاحبه شونده‌گان تصریح کرده‌اند که رسانه‌های استانی در کاهش مسائل و مقابله با فقر نقش جدی ایفا نکرده‌اند. از منظر آنان، یکی از پیشران‌های تأثیرگذار بر فقر، عملکرد ضعیف رسانه‌های محلی است.

غیر بومی‌گرایی غیر منطقی در استخدام نیروی انسانی: از منظر مطلعین کلیدی، غیر بومی‌گرایی غیر منطقی در استخدام نیروی انسانی نیز از دیگر پیشران‌های تأثیرگذار بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان می‌باشد. از نظر آن‌ها، استخدام نیروی انسانی غیر بومی، عدم آشنایی غیر بومی‌ها با مسائل استان، مدیران غیر بومی باعث بیکاری افراد بومی و افزایش فقر در این مناطق می‌شود.

جنگ تحمیلی و پیامدهای آن: از منظر مطلعین کلیدی، از بین رفتن بسترهای اقتصادی و شغلی بعد از جنگ، مهاجرت‌های ناشی از جنگ، از بین رفتن زیرساخت‌ها در خرمشهر و به یک معنا، عوامل تاریخی خصوصاً جنگ تحمیلی و پیامدهای آن نقش مهمی در بازتولید فقر در مناطق شهری استان خوزستان دارد.

متغیرهای جمعیت شناختی و آسیب‌های اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین: کد گذاری یافته‌های مصاحبه نشان داد که یکی دیگر از شرایط علی تأثیرگذار بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان، متغیرهای جمعیت شناختی و آسیب‌های اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که بعد از زیاد خانوار، جمعیت زیاد مناطق فقر نشین، نداشتن شغل پایدار، اعتیاد سرپرست خانوار، بیماری سرپرست خانوار و... نقش مهمی در بازتولید فقر در مناطق شهری استان خوزستان دارد.

ضعف امنیت سرمایه‌گذاری و ناامنی در مناطق حاشیه‌نشین: اقتصاددانان بر این باورند که افزایش ناامنی اقتصادی در یک کشور باعث می‌شود که گرایش پس‌انداز کنندگان به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد از طریق بازارهای مالی کاهش یابد و اغلب به دلیل بازه بالای سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در بخش‌های دلالی و غیر رسمی صورت می‌گیرد. (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷). مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که در مناطق حاشیه‌نشین سرمایه‌گذاران به دلیل فقدان امنیت سرمایه تمایل به سرمایه‌گذاری ندارند؛ بنابراین، تا زمانی که در این مناطق بسترهای امنیت سرمایه‌گذاری فراهم نشود؛ برنامه‌های مبارزه با فقر با چالش مواجه خواهد شد؛ چراکه در نتیجه‌ی ناامنی سرمایه‌گذاری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری از بین می‌رود و در نتیجه بیکاری و فقر در این مناطق تشدید می‌شود.

جدول شماره ۱۴: مفاهیم و مقولات مرتبط با شرایط مداخله گر در فقر

مفاهیم	مقوله
اجاره نشین بودن، ازدواج در سنین پایین، مریض بودن شوهر، داشتن شغل ناپایدار و غیر رسمی، بعد از زیاد خانوار در این مناطق، تعداد زیاد فرزندان، سن پایین سرپرست خانوار، مهاجر بودن حاشیه‌نشین‌ها، مهاجرت، اعتیاد، بیماری سرپرست خانوار، جمعیت زیاد مناطق حاشیه‌نشین، سرپرست بودن زنان، اعتیاد سرپرست خانوار	متغیرهای جمعیت شناختی و آسیب‌های اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین
جنگ، سیاست‌های مرتبط با اصلاحات ارضی، ناتوانی در جذب نیروهای مازاد کشاورز، از بین رفتن بسترهای اقتصادی و شغلی بعد از جنگ، مهاجرت بعد از جنگ، زیرساخت‌های نامناسب مانده از جنگ، جنگ و بحران‌های ناشی از آن، از بین رفتن زیرساخت‌ها در خرمشهر، جنگ و جریان‌ات تاریخی شهر اهواز، جنگ و مهاجرت‌های ناشی از آن	جنگ تحمیلی و پیامدهای آن
عدم تمایل سرمایه‌گذار به سرمایه‌گذاری در این مناطق، امنیت سرمایه‌گذاری پایین،	ضعف امنیت

عدم امنیت و سرمایه‌گذاری، تمایل کم مدیران فروشگاه‌ها جهت احداث شعب در مناطق حاشیه‌نشین، عدم امنیت و ترس از تردد شبانه در برخی از مناطق حاشیه‌نشین، احساس ناامنی، ترس از سارق	سرمایه‌گذاری و ناامنی در مناطق حاشیه‌نشین
عملکرد ضعیف رسانه‌ها، عدم کمک رسانه‌های استانی به حل مسائل و کاهش فقر، عدم تقویت روحیه‌ی مطالبه‌گری شهروندان این مناطق از سوی رسانه‌ها.	عملکرد ضعیف رسانه‌های محلی
عدم آشنایی متخصصان غیر بومی از مسائل استان، غیر بومی بودن مدیران ارشد استان، عدم اعتقاد به شایستگی افراد بومی، عدم اعتقاد به استخدام نیروهای بومی، عدم اشتغال نیروهای بومی، غیر بومی بودن نیروهای شرکت‌ها، مدیران پروازی، کارکنان پروازی.	غیر بومی‌گرایی غیر منطقی در استخدام نیروی انسانی

پیامدها

یافته‌های مصاحبه نشان داد که شیوع فقر در مناطق شهری استان خوزستان باعث ناامیدی از آینده، کاهش شاخص سلامت جسمی و روانی، کاهش نرخ اعتماد و مشارکت اجتماعی، افزایش ناآرامی‌های سیاسی، سوء استفاده دشمنان از رنج‌های حاشیه‌نشینان، افزایش هزینه‌های دولت و نابرابری در سلامت، افزایش نرخ مهاجرت، افزایش حاشیه‌نشینی و اشتغال بخش غیررسمی، گرایش به فرقه‌های نوظهور، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، سرایت ارزش‌های منفی به محیط‌های سالم، افزایش نارضایتی سیاسی و اجتماعی، فرسایش شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، تنزل شاخص‌های حمایت از زنان و افزایش جرم و جنایت می‌شود. مصاحبه‌شوندگان تصریح کرده‌اند که با افزایش فقر در مناطق شهری، امید به آینده و اعتماد به نفس کنشگران اجتماعی تنزل می‌یابد. در نتیجه فقر، افسردگی، پرخاشگری، شاخص‌های سلامت روحی و روانی به حداقل می‌رسد. افراد منتخب در مصاحبه تأکید کرده‌اند در مناطق شهری، افزایش فقر باعث بی‌اعتمادی به مسئولان شده و مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد را متأثر ساخته است. مصاحبه‌شوندگان خاطر نشان کرده‌اند که شیوع فقر در مناطق شهری جامعه را با عارضه‌هایی چون افزایش هزینه‌های دولت در برقراری نظم و امنیت، افزایش هزینه‌های زندگی، ناآرامی‌های سیاسی، اعتصاب، نارضایتی اجتماعی و سیاسی، گسترش ارزش‌های منفی از مناطق حاشیه‌نشین به مناطق برخوردار، افت تحصیلی و آسیب‌پذیری فرهنگی فقرا، گرایش فقرا به فرقه‌های نوظهور به خاطر فقر، عقب ماندگی، کاهش رشد اقتصادی، سرقت، تن فروشی، خشونت، نزاع و درگیری، قتل، خودکشی، تکدی‌گری و به یک معنا فرسایش شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه می‌سازد.

استراتژی‌ها

از منظر مطلعین کلیدی کاهش فقر در مناطق شهری استان خوزستان (آبادان و اهواز) در گرو توجه به استراتژی‌هایی چون ۱. ترویج فرهنگ کار در جامعه هدف ۲. سرمایه‌گذاری در مناطق حاد و حمایت از سرمایه‌گذار ۳. رسیدگی دولت به مسائل حاشیه‌نشین‌ها و حمایت همه‌جانبه از آنان ۴. توجه به آموزش‌های مهارت‌زا و فنی و حرفه‌ای در مناطق فقر نشین ۵. تواناسازی چند سطحی زنان سرپرست خانوار ۶. بهبود شاخص‌های سرمایه فرهنگی افراد رونق اقتصادی ۷. سرمایه‌گذاری در تولید و ایجاد اشتغال پایدار ۸. توانمندسازی روستاییان ۹. تسهیل شرایط دریافت وام و تسهیلات برای مناطق فقیر نشین ۱۰. کنترل تورم و نظارت بر فعالیت شرکت‌ها و ... ۱۱. اصلاح سیاست‌های رفاه اجتماعی با رویکرد فقرزدایی ۱۲. تقویت شاخص‌های عدالت اجتماعی ۱۳. توجه به استراتژی حکم رانی برای فقرزدایی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر واکاوی ریشه‌ها و پیامدهای فقر در مناطق شهری خوزستان (اهواز و آبادان) بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد میزان فقر در این مناطق از منظر اکثریت مصاحبه شونده‌گان در حد زیاد بوده است. این یافته نشان می‌دهد که در مرکز استان و آبادان فقر به عنوان مسئله اجتماعی مطرح است و لازم است ریشه‌ها و پیامدهای آن مورد بررسی علمی قرار گیرد. کدگذاری یافته‌های مصاحبه نشان داد که فرهنگ ضعیف کار و روالمند شدن فقر از شرایط علی تأثیرگذار بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان می‌باشد. در این راستا، مصاحبه شونده‌گان تصریح کرده‌اند که ساکنین مناطق فقیر به فقیر بودن عادت کرده‌اند و فرهنگ کاری در این مناطق ضعیف می‌باشد. از نظر آنان، فقرا تمایل کمی به کار کردن دارند. در این ارتباط، اسکار لویس بر این باور است که خانواده‌های فقیر در مواجهه با فقر ناچار هستند نوع زندگی خود را تا حد زیادی با شرایط فقر هماهنگ کنند. این هماهنگی به مرور زمان به صورت عرف و عادت درمی‌آید و فرهنگ متناسب با فقر را شکل می‌دهد و سپس همین فرهنگ مبنای کنش‌های بعدی فرد فقیر قرار می‌گیرد (بساطیان، ۱۳۹۰: ۱۳). این امر به نوبه‌ی خود به روال مند شدن فقر در بین آنان کمک می‌کند. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر رابطه‌ی محتوایی فرهنگ ضعیف کار و روان مند شدن فقر به مثابه فرهنگ فقر با شیوع فقر در این مناطق با نظریه فرهنگ فقر لویس همخوان می‌باشد. از منظر مشارکت کنندگان بیکاری و رکود اقتصادی یکی دیگر از پیشران‌های اصلی تأثیرگذار بر فقر در مناطق شهری استان خوزستان می‌باشد. در این ارتباط برنشتاین^۱، هدف اصلی توسعه را اشتیاق برای غلبه بر سوء تغذیه، فقر و بیماری می‌داند. گونار میردال^۲، توسعه را رهایی از چنگال فقر و فلاکت تعبیر می‌کند. همچنین مازلو در

1. Bernstein

2. Ginar Mirdal

هرم نیازها، شرط خودشکوفایی انسان‌ها را در میادین مختلف، عبور موفقیت‌آمیز از مسائل معیشتی می‌دارند. این یافته با محتوای تئوری‌های فقر و نتایج پژوهش الف) نتایج پژوهش سالم و یار محمدی ب) اسرول و احمد^۱ (۲۰۱۸) محتوای تئوری‌ها و پیشینه‌های فوق همسو با یافته‌های پژوهش حاضر بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین حمایت و پشتیبانی ضعیف از حاشیه‌نشینان و میزان فقر در مناطق شهری استان خوزستان رابطه‌ی محتوایی مثبت وجود دارد. در این ارتباط مصاحبه‌شوندگان بر مفاهیمی چون بی‌توجهی دولت به این مناطق، عدم حمایت از مطلقه‌ها، عدم حمایت دولت از زنان معلقه و دارای همسر مشکل‌دار و بدسرپرست، عدم حمایت کافی از فقرا، و... در شیوع فقر تأکید کرده‌اند. در این راستا، راسوس بر این باور است که حمایت چند بعدی باعث می‌شود افراد با قوت بیشتری در برابر ناملایمات مقاومت نمایند (حاج‌اقزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۵). بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر با محتوای تئوری حمایت اجتماعی راسوس همسو می‌باشد. از منظر خبرگان، شیوع فقر در مناطق شهری استان خوزستان متأثر از سازه توزیع نامتقارن منابع و احساس نابرابری و تبعیض است. همسو با این یافته، ریچارد ویلکینسن در کتاب جوامع ناسالم: رنج‌های نابرابری (۱۹۹۶)، بر این باور است که سالم‌ترین جوامع آنهایی هستند که عادلانه‌ترین توزیع درآمدها و بالاترین سطح یکپارچگی را دارند. وی بر این باور است که فقر و نابرابری دو چالش عمده نابرابری هستند که در کانون اسباب ناراحتی انسانی جای گرفته و مبنای فقدان امنیت هستند. کوشنر (۱۹۸۱)، بر این باور است که نابرابری اجتماعی موجب فقر شده و به تبهکاری و به افزایش فشار روانی در سرتاسر جامعه کمک می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان داد که آنومی در استخدام و خویشاوندگرایی غیرمنطقی مشوق فقر در مناطق شهری استان خوزستان می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان معتقدند که در استخدام شرکت‌ها پارتی بازی وجود دارد و در امر استخدام به جای ضوابط روابط حاکم است. این یافته با محتوای تئوری آنومی مرتن و دورکیم سازگار است؛ چراکه در شرایط آنومیک هنجارهای تنظیم‌کننده رفتار بشری تضعیف می‌شود و این امر به نوبه‌ی خود به افزایش بیکاری فقرا و بازتولید فقر آنان کمک می‌نماید. همسو با این یافته عباس زاده و نصرالهی وسطی (۱۳۹۷) مبنی بر اینکه وجود رانت در سازمان‌های دولتی در زمینه‌ی استخدام از تعیین گره‌های مهم فقر می‌باشد؛ همسو است. کد گذاری یافته‌های مصاحبه‌حاکمی از ظهور نظریه‌ی جوهری فوران محرومیت فقرا از قابلیت‌ها می‌باشد. طبق مطالعات اخیر بانک جهان، فقر فقط معطوف به کمبود درآمد یا فقدان درآمد نیست. بلکه ابعاد مهم دیگری دارد که از آن به عنوان ترس از آینده، نگرانی فقرا از سقوط بیشتر و از دست دادن حداقل‌ها یاد می‌کنند. از دیدگاه رویکرد قابلیت سن فقر محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی تعریف می‌شود راه حل آن می‌بایست در رشد قابلیت‌های انسانی جست و جو کرد. قابلیت‌های پایه‌ای مثل برخورداری از سواد، بهداشت، سلامتی می‌توانند

توانایی‌های لازم را در صورت وجود سایر شرایط و حذف برخی قیود اجتماعی برای خروج از وضعیت فقر فراهم اورن (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴: ۸-۹). طبق یافته‌های پژوهش پیشران‌هایی چون ضعف شاخص‌های رشد و رفاه اقتصادی، آنومی در استخدام و خویشاوندگرایی غیر منطقی، بحران شایسته سالاری حمایت و پشتیبانی ضعیف از حاشیه‌نشینان، ضعف سرمایه روان شناختی، توانمندسازی ضعیف حاشیه‌نشینان، ضعف سرمایه‌ی فرهنگی و شایستگی کانونی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی ضعیف شرکت‌ها، ناکارآمدی در مدیریت شهری و بحران برنامه ریزی استراتژیک، ضعف حکم رانی و همدلی سازمانی، فساد اقتصادی و اداری و... بر سطح زندگی فقرا و محرومیت آنان از قابلیت‌های فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، نظریه‌ی جوهری پژوهش حاضر با رویکرد قابلیت آمارتیا سن همسو می‌باشد. کدگذاری مصاحبه‌ها نشان داد که شیوع فقر در این مناطق جامعه را با عارضه‌هایی چون ناامیدی از آینده، کاهش شاخص سلامت جسمی و روانی، کاهش نرخ اعتماد و مشارکت اجتماعی، افزایش ناآرامی‌های سیاسی، سوء استفاده دشمنان از رنج‌های حاشیه‌نشینان، افزایش ناراضی‌تی سیاسی و اجتماعی، فرسایش شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، تنزل شاخص‌های حمایت از زنان، افزایش جرم و جنایت، افزایش هزینه‌های دولت و نابرابری در سلامت، افزایش میزان مهاجرت، افزایش حاشیه‌نشینی و اشتغال بخش غیر رسمی، گرایش به فرقه‌های نوظهور، افزایش ریسک سرمایه گذاری، سرایت ارزش‌های منفی به محیط‌های سالم مواجه می‌سازد. در ادامه به مدل پارادایمی فرایند فقر در مناطق شهری استان خوزستان (اهواز و آبادان) در قالب شکل ۱ اشاره می‌شود.



منابع

- افقه، سیدمرتضی، قنواتی‌فر، طلیعه (۱۳۹۰). تخمین خط فقر در استان خوزستان، **فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای**، شماره ۱، دوره ۱، ص ۲۱-۱.
- اندایش، یعقوب، افقه، سید مرتضی، حسن زاده، فروزان (۱۴۰۰). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر چندبعی در استان خوزستان با استفاده از تعدیل روش آلکایر-فوستر و با در نظر گرفتن ابعاد اشتغال و مسکن، **اقتصاد مقداری، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری**، مقالات آمده انتشار (<https://jqe.scu.ac.ir/>).
- اکبرزاده، فاطمه، دهقانی، حمید، خوشفر، غلامرضا، جانعلی‌زاده چوب بستی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و چهارم، شماره ۱، پی‌اچ ۴۹، شماره ۱، صص ۶۷-۸۸.
- البرز، مسعود، افتخاری، سمانه، گنجعلی، مجتبی (۱۳۸۶). عوامل تعیین‌کننده احتمال فقر افراد با استفاده از مدل لوژستیک تجمعی ترتیبی، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۳۹.
- بساطیان، سید محمد (۱۳۹۰). بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن مطالعه موردی: شهرستان دلفان استان لرستان، **مسائل اجتماعی ایران**، سال دوم، شماره ۲، صص ۷-۳۲.
- بهادری، خسروشاهی، جعفر، هاشمی نصرت آباد، تورج، باباپور خیرالدین، جلیل (۱۳۹۰). رابطه‌ی سرمایه روان‌شناختی با سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز، **مجله تخصصی پژوهش و سلامت، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت گناباد**، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۵۳.

پیمان فرهنگ، لیلا (۱۳۹۳). **بررسی و تحلیل خط فقر در استان خوزستان (با تأکید بر جوامع شهری و روستایی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: غلامرضا یآوری، دانشگاه پیام نور استان البرز- دانشکده اقتصاد.

جمالی، فیروز، قنبری، ابوالفضل، پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۹). نگرشی بر مفهوم نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی- اقتصادی، **مدرس علوم انسانی- برنامه‌ریزی و آمایش فضا**، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۲۲-۱۴۱.

حیدری، حنیفه؛ محمدی، مجید (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر فساد اداری با تأکید بر ایران، **کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی**، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.

سالم، علی اصغر، یار محمدی، جواد عرب (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر چند بعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پزل، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، سال بیست و ششم، شماره ۸۷، صص ۷-۴۶.

فتحی، منصور، فکر آزاد، حسین، غفاری، غلامرضا، بوالهری، جعفر (۱۳۹۱). عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی مردان، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، پیاپی ۵۰، صص ۱۳۵-۱۵۷.

عباس‌زاده، محمد، نصرالهی وسطی، لیلا (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر از دیدگاه زنان متأهل با تحصیلات عالی، **فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)**، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۷-۳۶. عباسی‌نژاد، حسین، رضانی، هادی، صادقی، مینا (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین‌استانی، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، سال بیستم، شماره ۶۴، صص ۶۵-۸۶.

غضنفری اقدم، کمال، میلا علمی، زهرا میلا (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقر در ایران (رویکرد داده‌های شبه‌تابلویی)، **نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی**، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۲۶-۵۳.

غضنفری اقدم، کمال، میلا علمی، زهرا (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقیر در ایران، **(رویکرد داده‌های شبه‌تابلویی)**، سال یازدهم، شماره بیست و یکم، صص ۲۶-۵۳.

فیروزفر، فهیمه؛ زم، فاطمه؛ منصوری، الهام؛ ولی‌زیبایی، خدیجه (۱۳۹۶). پیش‌درآمدی بر ادبیات مفهومی توانمندسازی روانی اجتماعی، **رویش روانشناسی**، سال ۶، شماره ۲، تابستان، صص: ۱۸۹-۲۰۶.

قانع‌راد، محمد امین، ملکی، امیر، محمدی، زهرا (۱۳۹۲). مطالعه‌ی دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی (مطالعه موردی: اساتید علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران)، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۳۰-۶۴.

سفیری، خدیجه، میرزایی، معصومه (۱۴۰۱). تجربه زیسته دختران حاشیه‌نشین از مفهوم محرومیت، مورد مطالعه منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد- استان کرمانشاه، **پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران**، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۳۳-۵۴.

زبردست، اسفندیار، رضانی، راضیه (۱۳۹۵). سنجش فقر شهری و ارتباط آن با دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین، *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۴۵-۵۴.

محمدزاده، حسین، شادرو، محمدرضا، رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مرتبط با قوم‌گرایی فرهنگی در بین کردهای ایران، *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، سال اول، شماره ۱ سوم، صص ۷۶-۹۶.

مشبکی، اصغر، خلیلی شجاعی، وهاب (۱۳۸۹). بررسی رابطه ی فرهنگ سازمانی و مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (وزارت نیرو به عنوان مورد)، *جامعه‌شناسی کاربردی*؛ سال بیست و یکم، شماره ۱، پیاپی ۴۰، شماره ۱ چهارم، صص ۳۷-۵۶.

میرزایی، محمد، کبرایی، عاطفی (۱۴۰۰). عوامل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر خانوارهای شهری ایران در سال ۱۳۹۵، *جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱۵، شماره ۳۰، صص ۲۳۱-۲۵۹.

نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، علی (۱۳۸۹). شایسته‌سالاری در مدیریت جامعه با تأکید بر اندیشه‌های سیاسی امام علی (ع)، *نشریه معرفت سیاسی*، سال ۲، شماره ۲، صص: ۱۶۰-۱۴۱.

نظریان، اصغر؛ شوهانی، نادر (۱۳۹۰). توانمندسازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر، *چشم انداز جغرافیای (مطالعات انسانی)*، سال ۶، شماره ۱۶، صص: ۱۵۱-۱۳۴.

نقره ای، مرتضی؛ امین خندقی، مقصود؛ سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۵). مطالبه‌گری نقطه عزیمتی برای تحول در برنامه توسعه درسی نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های انقلاب اسلامی، *اولین همایش ملی مدرسه فردا*، دانشگاه محقق اردبیلی.

وکیلی، افشین (۱۳۹۵). *بررسی مفهوم فرهنگ کار*، نشریه موج، صص: ۲۴-۱۴.

Asrol, Asrol; Ahmad, Hafsa (2018). Analysis of factors that affect poverty in Indonesia, *Journal of Espasious*, Vol. 39 (Number 45), p:14

Dilworth, R. (Ed.). (2020). *Oxford Bibliographies: Urban Studies*

Gweshengwe, B., & Hassan, N. H. (2020). Defining the characteristics of poverty and their implications for poverty analysis. *Cogent Social Sciences*, 6(1), 1768669.

Hick, R. (2012). The capability approach: insights for a new poverty focus. *Journal of social policy*, 41(2), 291-308.

Movahhed, A., Vali Noori, S., Hataminejad, H., Zanganeh, A., & Kamanroodi Kajouri, M. (2016). Spatial analysis of urban poverty in Tehran metropolis. *Journal of Urban Economics and Management*, 4(15), 19-36.

Robati, F. N., Akbarifard, H., & Abdolmajid Jalae, S. (2020). Poverty modeling in the Islamic Republic of Iran using an ANFIS optimized network with the differential evolution algorithm (ANFIS_DE). *MethodsX*, Vol 7, 101120, 1-15.

Salem, Ali Asghar; Bayat, Neda (2018). Factors Influencing Poverty in Iran Using a Multilevel Approach, *Journal of Money and Economy* Vol. 13, No. 1, pp. 81-106.

- Sameti, M., Esfahani, R. D., & Haghighi, H. K. (2012). Theories of poverty: A comparative analysis. **Kuwait chapter of Arabian journal of business and management review**, 1(6), 45-56.
- Sulaiman, J., Azman, A., & Khan, Z. (2014). Re-modeling urban poverty: A multidimensional approach. **International Journal of Social Work and Human Services Practice**, 2(2), 64-72.
- Wang, C., Zeng, B., Luo, D., Wang, Y., Tian, Y., Chen, S., & He, X. (2021). Measurements and determinants of multidimensional poverty: evidence from mountainous areas of Southeast China. **Journal of Social Service Research**, 47(5), 743-761.
- Zandi, E., Zanganeh, M., & Akbari, E. (2019). Zoning and spatial analysis of poverty in urban areas (case study: Sabzevar City-Iran). **Journal of Urban Management**, 8(3), 342-354.
- Zanganeh, M., & Akbari, E. (2019). Zoning and spatial analysis of poverty in urban areas (Case Study: Sabzevar City-Iran). **Journal of Urban Management**, 8(3), 342-354.